

بررسی مقایسه‌ای معیارشناسی خردمندی در روایات اهل بیت - علیهم السلام - با دستاوردهای روان‌شناختی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۰۵

فریناز موحد*

خدیجه ابوالمعالی الحسینی**

فریبرز باقری***

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، بررسی معیارهای خردمندی در روایات اهل بیت - علیهم السلام - و روش تحقیق از نوع کیفی با رویکرد تحلیل محتوای عرفی است. جامعه آماری پژوهش، همه روایات کتب اربعه و مصادر بحار الانوار را شامل می‌شود. برای نمونه‌گیری، از روش هدفمند و برای تحلیل داده‌ها از توصیف، مقایسه، مقوله‌بندی و مفهوم‌سازی استفاده کرده‌ایم. یافته‌ها نشان می‌دهند مؤلفه‌های خردمندی از دیدگاه اهل بیت - علیهم السلام - مجموعه‌ای از ویژگی‌های درون‌فردی (هفت کد نظری و ۴۷ کد اساسی)، بین‌فردی (شش کد نظری و ۳۵ کد اساسی)، در ارتباط با دنیا و آخرت (دو کد نظری و چهار کد اساسی) و در ارتباط با معبود (چهار کد نظری و هفده کد اساسی) بودند. کثرت کدهای نظری درون‌فردی و بین‌فردی، بیانگر اهمیت اخلاق و ارتباطات انسانی از نظر اهل بیت - علیهم السلام - است. علاوه بر منابع یادشده، سی مقاله و کتاب تخصصی مرتبط با مبحث خرد در حوزه روان‌شناسی (تألیف‌شده از سال ۱۹۹۰ تا سال ۲۰۲۰) بررسی و کدگذاری باز، محوری و انتخابی شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد مؤلفه‌های خردمندی از دیدگاه روان‌شناسان، مجموعه‌ای از ویژگی‌های درون‌فردی (سه کد نظری و نه کد اساسی)، بین‌فردی (چهار کد نظری و ۳۵ کد اساسی) و در ارتباط با اجتماع (سه کد نظری و چهار کد اساسی) بوده است. در نهایت، این دو دیدگاه را با هم مقایسه کرده و نتیجه گرفته‌ایم بین معیارهای خردمندی در دو دیدگاه، رابطه عموم و خصوص من وجه وجود دارد و این دو معیار، دارای نقاط اشتراک و افتراق هستند. در هر دو آن‌ها ارزش‌ها در نظر گرفته شده است؛ هر چند آن‌ها در مبدأ و مبنای ارزش‌ها و مصداق‌هایشان تفاوت‌هایی دارند.

واژگان کلیدی: خرد، عقل، روایات، دستاوردهای روان‌شناختی.

* دانشجوی دکتری گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی رودهن، ایران (نویسنده مسئول). am.tafazoli@gmail.com

** دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی رودهن، ایران. abolmaali@riau.ac.ir

*** دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. f.bagheri@srbiau.ac.ir

بیان مسئله

انسان‌شناسی، یکی از زیربنایی‌ترین عناوین حوزه روان‌شناسی است که همواره اندیشمندان به آن توجه کرده‌اند. خرد یکی از نقاط قوت انسان محسوب می‌شود که در تأمین بهداشت روانی و موفقیت او در راستای ارزش‌ها نقشی مهم ایفا می‌کند. تبیین مفهوم خرد در حوزه روان‌شناسی با استفاده از مبانی متفاوتی صورت گرفته است و نتایج به دست آمده، دارای نقاط اشتراک و افتراق هستند. خالق انسان، او را در قرآن کریم و همچنین روایات معصومین - علیهم السلام - معرفی کرده است. مراجعه به این آموزه‌ها در تبیین مفهوم خرد با به‌کارگیری روش‌های پژوهش علمی در حوزه علوم روان‌شناختی و با در نظر گرفتن پیشینه مطالعاتی روان‌شناسان، گامی ارزنده در مسیر درون‌دینی و بومی‌سازی روان‌شناسی است.

سند تحول بنیادین با توجه به اهمیتی که برای پرورش انسان عاقل قائل شده است، نشان می‌دهد پژوهش درباره خرد و خردورزی از موضوع‌های مهم در آموزش و پرورش ایران است. به صورت مستقیم، سیزدهمین گزاره ارزشی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی در این سند، پرورش، ارتقا و تعمیق انواع و مراتب عقلانیت در همهٔ ساحت‌های تعلیم و تربیت دانسته شده است (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰).

در بخش دستاوردهای روان‌شناسی، واژه «خرد» و معادل انگلیسی آن، یعنی Wisdom بررسی شده است. معرفی خرد، اغلب با تلفیق یک دانش و چگونگی عملکرد صورت می‌گیرد و در تعریف خرد، غالباً چستی شخصیت کامل و فضیلت‌های انسانی، چگونگی عملکرد ذهن و پرهیزکاری مورد توجه است. اگرچه روان‌شناسی خرد، قدمت زیادی ندارد، محققان در این حوزه، مدل‌های نظری و عملی مختلفی را به دست داده‌اند (Kunzmann, 2019). از آنجا که تعریف‌های عرضه شده درباره خرد بر اساس مبانی متفاوت و در ابعاد مختلفی مانند روان‌شناختی، فرهنگی - اجتماعی و فلسفی صورت گرفته‌اند، برخی معتقدند درباره خرد، تعریفی واحد و مورد توافق همگان وجود ندارد (Kalyar, 2018). آردلت^۱ معتقد است همهٔ اندیشمندان بر سر این مسئله اتفاق نظر دارند که خرد مشتمل بر دانش، تفکر، درک و بینش، تأمل و بازنگری،

1. Ardel

و توجه هم‌زمان به دیدگاه‌ها و منافع خود و دیدگاه‌ها و منافع دیگران است (2011 به نقل از کردنوقایی، ۱۳۹۶). هیلگارد و اتکینسون^۱ (۱۳۸۱) خرد را همانند هوش، یک قوه ذهنی بنیادین دانسته‌اند که قضاوت‌کردن و انطباق‌یافتن با وضعیت‌های گوناگون را برعهده دارد. بینه و سیمون خرد را نوعی استعداد دانسته‌اند که ویژگی آن، خوب قضاوت‌کردن، خوب درک‌کردن، خوب استدلال‌کردن و انطباق‌یافتن با موقعیت‌های مختلف است (به نقل از شریفی، ۱۳۷۶). گراث^۲ و مارنات (۱۳۷۵) هوش، خرد و شعور عملی را دارای یک معنا قلمداد کرده‌اند. گیچ^۳ و برلاینر^۴ (۱۳۷۴) خرد را تقریباً به معنای هوش دانسته و آن را عبارت از توان و ماهیتی به‌شمار آورده‌اند که استدلال، حل‌کردن مسائل، فراگیری، و کسب مهارت‌های هیجانی و اجتماعی را برعهده دارد. ژان پیازه خرد را عبارت از قوه شناخت و معادل با هوش شناختی دانسته و آن را یک نیروی کیفی به‌شمار آورده است که انطباق و سازگاری با محیط و موقعیت‌های جدید را برعهده دارد (As Cited in Kazdin, 2000). مدل خرد برلین به‌همت پل بالتز و همکارانش گسترش یافت (Baltes and Staudinger, 2000 As Cited in Glück, 2017; Baltes and Smith, 1990). در پارادایم برلین، خرد عبارت از دانشی تخصصی دانسته شده که به دانش عمیق و مهارت در زمینه‌ای خاص اشاره می‌کند که از تجربه درطول زمان به‌دست آمده است (Glück, 2017). درواقع، خرد، یک نظام تخصصی دانش درخصوص مسائل بنیادین زندگی است (Baltes and Staudinger, 2000) به نقل از کردنوقایی، ۱۳۹۶).

استرنبرگ نظریه توازن یا تعادل خرد را به‌عنوان کاربرد هوش و تجربه درسایه ارزش‌ها برای دستیابی به خیر همگانی تعریف کرد (Sternberg, 1998) به نقل از کردنوقایی، ۱۳۹۶؛ اسعدی، امیری، مولوی و باقری نوع‌پرست، ۱۳۹۲) و مدل سه‌بعدی خرد آردلت نیز یکی از معروف‌ترین الگوهای نظری درحوزه خرد است (کردنوقایی، ۱۳۹۶). آردلت خرد را به‌عنوان ترکیبی از ویژگی‌های شخصیتی شناختی^۵، تأملی

1. Atkinson
2. Groth
3. Gage
4. Borliner
5. Cognitive

(انعکاسی)^۱ و عاطفی^۲ تعریف کرده است. (Zacher and Staudinger, 2018). وبستر یک مدل پنج‌عاملی را برای خرد تدوین کرده که پدیده‌ای چندبعدی و کل‌گرایانه است؛ یعنی هیچ‌کدام از این ابعاد به‌تنهایی نماینده خرد نیستند و همه آن‌ها باید حاضر باشند تا خرد ظهور یابد؛ البته راه برای یافتن ابعاد جدید، همچنان باز است (Webster, 2003 به نقل از کردنوقایی، ۱۳۹۶). مدل خرد وبستر از پنج عامل تشکیل شده است: تجربه‌های بحرانی؛ تنظیم هیجانی و پذیرش و به‌کار بستن هیجان‌ها؛ مرور خاطرات و بازبینی آن‌ها به‌منظور دیدن وجوه مختلف؛ گشودگی به تجربه؛ شوخ‌طبعی برای آرامش‌بخشیدن به خود و دیگران و قوی‌تر کردن پیوندهای اجتماعی (چراغی، کدیور، عسگری و فرزاد، ۱۳۹۴). وبستر برای سنجش خرد، مقیاس خودارزیابی خرد^۳ را به‌دست داد (Webster, 2007 As Cited in Glück, 2017). یانگ^۴ دیدگاه فرایندی خرد را عرضه کرد که در آن، خرد به‌عنوان فرایندی در یک زمینه خاص و در بازه زمانی مشخص از طریق تعامل بین فرد و یک موقعیت در زندگی واقعی تعریف شده که فرد با آن روبه‌روست. این فرایند، سه جزء ساختاری را شامل می‌شود: یکپارچگی شناختی^۵، عمل تجسم^۶، و اثرهای مثبت برای خود و دیگران. در مجموع می‌توان گفت تاکنون، هیچ‌گونه تعریف قابل قبول و جهانی‌ای درباره خرد عرضه نشده است؛ اما شباهت بسیاری بین تعریف‌های خاص وجود دارد که در همه آن‌ها خرد به‌عنوان یک مفهوم چندبعدی و شامل وجوه متمایز تأثیری، ادراکی و انگیزشی در نظر گرفته شده است (Yang, 2014 As Cited in Kunzmann, 2019).

در جمع‌بندی‌ای کلی، مقایسه مدل‌های علمی خرد نشان می‌دهد در پارادایم برلین، خرد عبارت از تخصص‌داشتن در مسائل مهم زندگی دانسته و بر بعد شناختی و فکری آن تأکید شده است و خردمند یعنی کسی که قادر به حل کردن مشکلات باشد. در این پارادایم، خصوصیت مردم‌آمیزی و نوع‌دوستی خردمندان نادیده گرفته شده و آردلت با اضافه‌کردن بُعد عاطفی کوشیده است این نقص را برطرف کند. در مدل سه‌بعدی

1. Reflective
2. Affective
3. SAWS
4. Yang
5. Cognitive Integration
6. Embodying Action

آردلت، حس شفقت و همدردی با دیگران نیز وجود دارد. استرنبرگ در مدل خود، هدف را نیز قرار داده و از نظر او این هدف، خیر و صلاح عمومی است. یانگ کوشیده است خیر عمومی را گسترش دهد. آنچه مدل پنج‌عاملی وبستر را متمایز می‌کند، نگاه کل‌نگرانه آن است. در این مدل، هریک از عوامل سبب می‌شوند فرد بتواند در مسائلی خاص، مهارت نشان دهد؛ اما خرد زمانی بروز می‌یابد که هر پنج عامل به‌عنوان یک کل حضور داشته باشند. در مدل‌های یادشده، رشد خرد، چندان موردتوجه نبوده است و در مجموع می‌توان گفت هریک از مدل‌های علمی به برخی جنبه‌های خرد توجه کرده‌اند. به هر حال، به دلیل دشواری مطالعه خرد و ماهیت چندبعدی آن، رسیدن به یک مدل موردپذیرش همگان، چندان آسان نیست.

علاوه بر منابع روان‌شناختی، در متون دینی هم به مفهوم «خرد» توجه شده است. در روایات معتبر شیعی، خرد با استفاده از واژه «عقل» به‌عنوان حجت درونی انسان و معیار تشخیص دادن حق از باطل شناخته شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق). طبق این آموزه‌ها عقل، مایه انسانیت انسان است و بنابراین برای حرکت در مسیر تعالی و رشد معنوی و روحی، و ارتقاداتن سلامت انسانی، تبیین مفهوم عقل ضرورت دارد. تعالیم دینی به‌عنوان رابط بین انسان و خالق او جایگاهی مهم در انسان‌شناسی دارند. تعریف خالق از مخلوقش براساس علم و احاطه است و بنابراین، برای تعریف عقل و شناسایی ویژگی‌های عاقل باید به مکتب وحی مراجعه کرد. این مکتب به قداست عقل و حجیت ذاتی‌اش اذعان دارد و آن را به‌عنوان حجت باطنی معرفی می‌کند: «إِنَّ اللَّهَ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ حُجَّةٌ ظَاهِرَةٌ وَ حُجَّةٌ بَاطِنَةٌ فَمَا الظَّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَ الْأَنْبِيَاءُ وَ الْأَيْمَةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ أَمَا الْبَاطِنَةُ فَالْعُقُولُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق)؛ یعنی: «ازجانب خداوند بر مردمان، دو حجت است: حجت بیرونی و حجت درونی. حجت بیرونی همانا پیامبران و امامان هستند و حجت درونی، عقل و خرد آدمیان». قرآن نیز سهمی بزرگ برای عقل در اصول شریعت و شناخت تکلیف قائل شده و بی‌اعتنایان به عقل را نکوهیده است. اشارات مکرر قرآن کریم به عقل، صرفاً به یکی از سطوح این مقوله که روان‌شناسان و متخصصان علوم جدید بدان دست یافته‌اند، منحصر نیست؛ بلکه تمام وظایف عقل با توجه به عملکردها و ویژگی‌های مختلف آن خطاب شده است. درواقع، عقل تربیت‌شده در نظام وحیانی، دارای عالی‌ترین سطوح و

بالاترین عقلانیت‌های متصور است؛ زیرا همراهی و تعاضد دو حجت باطنی و ظاهری‌اند (دیالمه، ۱۳۹۲). عقل یک حقیقت وجدانی است؛ از این روی، هرگونه تعریفی از آن باید در وجدان عقلا ریشه داشته باشد؛ به گونه‌ای که هر عاقلی فطرتاً آن را تأیید و تصدیق کند؛ بنابراین، استناد به کتاب‌های لغت در این زمینه بدین منظور صورت می‌گیرد که نشان دهیم حقیقت وجدانی در زبان عربی، چه نامیده می‌شود و وجه تسمیه آن چیست؛ همچنین شواهد نقلی و روایی در بحث شناسایی گوهر عقل، همگی جنبه تذکری و تنبهی دارند؛ یعنی عقلا از این طریق به ویژگی‌های عقل و عاقل متذکر می‌شوند و تنبه وجدانی می‌یابند. با این مقدمه، اگر معنای لغوی عقل را در کتاب‌های لغت جست‌وجو کنیم، به یک معنای وجدانی روشن می‌رسیم که تعبیر مختلف، همگی حاکی از آن هستند (بنی‌هاشمی، ۱۳۹۸). در *القاموس العصری*، «عَقْلًا» به معنای «رَبَطًا» دانسته شده و بنابراین، «عَقْلٌ» نیز همچون «رَبَطٌ» به معنای بستن است. وقتی کسی شتری را می‌بندد، در زبان عربی گفته می‌شود: «عَقَلَ البعیرَ» (آنطوان، ۱۳۷۶). در *اقرب الموارد*، «عَقَالٌ» وسیله بستن معرفی شده (شرتونی، ۱۴۰۳ق، ص. ۱۸۲) و در نتیجه، عقل، نوعی حبس کردن و محدود کردن است. در *معجم مقاییس اللغه* درباره عقل آمده است: «الْعَقْلُ: الْحَابِسُ عَنِ ذَمِيمِ الْقَوْلِ وَالْفِعْلِ» (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ص. ۹۵)؛ یعنی: «عقل، مانع از گفتار و کردار ناپسند است». ابن منظور نیز در *لسان العرب* نوشته است: «الْعَقْلُ: الْحِجْرُ وَ النَّهْيُ، ضِدُّ الْحُمُقِ» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق). «حجر» یعنی حرمت و محدودیت؛ به همین سبب، کسی را که ممنوع‌التصرف است، اصطلاحاً محجور می‌نامند. «نهی» نیز از نهی به معنی بازداشتن مشتق شده است. علاوه بر آنچه گفتیم، «حمق» و «حماقت» نیز در مقابل «عقل» جای دارد. در *لسان العرب*، در ادامه آمده است: «الْعَاقِلُ الَّذِي يَحْبِسُ نَفْسَهُ وَيَرُدُّهَا عَنِ هَوَاهَا»؛ یعنی: «عاقل کسی است که نفس خود را حبس می‌کند و آن را از آنچه میل دارد، بازمی‌دارد». «أَخَذَ مِنْ قَوْلِهِمْ قَدْ اعْتَقَلَ لِسَانَهُ إِذَا حَبَسَ وَمَنَعَ الْكَلَامَ». این تعبیر (عاقل)، از گفتار عرب گرفته شده است که وقتی زبان کسی محبوس و از سخن گفتن بازداشته شود، می‌گویند: «قَدْ اعْتَقَلَ لِسَانَهُ»؛ سپس درباره وجه تسمیه عقل آمده است: «سُمِّيَ الْعَقْلُ عَقْلًا، لِأَنَّهُ يَعْقِلُ صَاحِبَهُ عَنِ التَّوَرُّطِ فِي الْمَهَالِكِ أَيْ يَحْبِسُهُ»؛ یعنی: «عقل را عقل نامیده‌اند؛ زیرا دارنده خود را از فروغلتیدن به مهلکه‌ها بازمی‌دارد». در روایت نیز این معنا از عقل بیان

شده است. حضرت فرموده‌اند: «إِنَّ الْعَقْلَ عَقَالٌ مِنَ الْجَهْلِ وَالنَّفْسُ مِثْلُ أَحْبَثِ الدَّوَابِّ فَإِنْ لَمْ تُعَقَّلْ حَارَتْ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق)؛ یعنی: «همانا عقل، پای‌بستی از نادانی است و نفس [انسان] مانند شرورترین جنبده‌هاست؛ زیرا اگر بسته نشود، سرگردان می‌شود».

قرطبی نقل کرده است: «الْعَقْلُ هُوَ الْعِلْمُ» (قرطبی، ۱۴۰۷ق). در کتاب *معجم الفروق اللغویة* که تفاوت‌های میان معانی کلمات قریب‌المعنی را بیان می‌کند، درباره علم و عقل آمده است: «الْفَرْقُ بَيْنَ الْعِلْمِ وَالْعَقْلِ أَنَّ الْعَقْلَ هُوَ الْعِلْمُ الْأَوَّلُ الَّذِي يَزْجُرُ عَنِ الْقَبَائِحِ. وَكُلُّ مَنْ كَانَ زَاجِرُهُ أَقْوَى، كَانَ أَعْقَلَ» (عسکری، ۱۴۰۰ق، ص. ۲۱۶). در اینجا عقل، نوعی علم است: «الْعَقْلُ هُوَ الْعِلْمُ»؛ یعنی اساساً عقل و علم از یک سنخ و هردو از مقوله فهم و درک هستند و این حقیقت، مسئله‌ای وجدانی است؛ اما دو مسئله عقل را از علم متمایز می‌کنند: نخست، آنکه عقل، علم اول است و دوم، آنکه انسان را از بدی‌ها بازمی‌دارد. بهترین معنا برای اول‌بودن این علم خاص (عقل)، آن است که بگوییم عقل اکتسابی نیست. ادراک‌های عقلی، مبتنی بر تعلیم و تعلم نیستند؛ بلکه فهم خوبی و بدی عقلی بدون هیچ‌گونه تعلیم، از ابتدای بلوغ در انسان حاصل می‌شود. تا وقتی کودک علم به حُسن و قبح افعال ندارد، از عامل بازدارنده هم برخوردار نیست؛ اما به محض آنکه این علم پدید آمد، او را از ارتکاب قبايح منع می‌کند (بنی‌هاشمی، ۱۳۹۸). همین دانش غیرتعلیمی، درجه‌های مختلفی دارد و هرکس درجه بالاتری از آن را داشته باشد، عاقل‌تر خواهد بود: «كُلُّ مَنْ كَانَ زَاجِرُهُ أَقْوَى، كَانَ أَعْقَلَ». در قاموس نیز عقل، نور روحانی‌ای معرفی شده است که نفس به وسیله آن، علوم ضروری و نظری را درک می‌کند. در لغت، هر مقوله لطیف و غیرکثیف، روحانی قلمداد می‌شود (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق) و صریحاً تعبیر «نور» برای توضیح دادن معنای لغوی عقل آمده است. طبق این اقوال، عقل، علم و نوری بازدارنده از کارهای زشت است. اگر کسی یک عمل زشت را به‌گونه‌ای مرتکب شود که هنگام انجام‌دادن آن، قبح عمل را نبیند، آن کار، احمقانه قلمداد می‌شود و اگر پس از انجام‌دادن کار، عیبی در آن نبیند، عقلا او را احمق می‌دانند. چون حقیقت عقل برای عقلا روشن و شناخته‌شده است، مباحث صرفاً جنبه تذکر می‌یابد و به دیگر سخن، لازم نیست به فرد عاقل گفته شود چه چیزی را عقل بداند؛

زیرا او با حقیقت عقل زندگی می‌کند و آن را می‌شناسد. کافی است عاقل را به آنچه از عقل می‌شناسد، متذکر شویم و بدین منظور می‌توان به قاعده «تُعَرَفُ الْأَشْيَاءُ بِأَضْدَادِهَا» تمسک یافت. حال، فقدان عقل را می‌توان در طفولیت، شهوت و غضب شدید جست‌وجو کرد. اولین نکته وجدانی، آن است که کودک پیش از رسیدن به سن بلوغ عقلی، حُسن و قبح کارهایش را نمی‌فهمد و وقتی به بلوغ عقلی رسید، قلبش به نور عقل روشن می‌شود. پیامبر اکرم (ص) درباره این مسئله فرموده‌اند: «فَإِذَا بَلَغَ كُشِفَ ذَلِكَ السُّتْرُ فَيَقَعُ فِي قَلْبِ هَذَا الْإِنْسَانِ نُورٌ فَيَفْهَمُ الْفَرِيضَةَ وَالسُّنَّةَ وَالْحَيْدَ وَالرِّدْيَ، أَلَا وَمَثَلُ الْعَقْلِ فِي الْقَلْبِ كَمَثَلِ السَّرَاجِ فِي وَسْطِ الْبَيْتِ» (صدوق، ۱۳۸۵). دومین تذکر وجدانی در شناخت نور عقل، ازدست‌دادن آن حال غضب و شهوت شدید است. به‌طور کلی، وقتی واجد و گاه فاقد چیزی باشیم، با تفاوتی که در حال وجدان یا فقدان مشاهده می‌کنیم، آن حقیقت را به‌خوبی می‌شناسیم. امیرالمؤمنین (ع) فرموده‌اند: «الْعَقْلُ وَالشَّهْوَةُ ضِدَّانٌ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق). عقل و شهوت، ضد هم‌اند و مؤید عقل، علم است. «ذَهَابُ الْعَقْلِ بَيْنَ الْهَوَى وَالشَّهْوَةِ» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶). غضب و شهوت، دو حالت روحی‌اند که در انسان‌ها وجود دارند و اگر شدت یابند، به حجابی در برابر نور عقل تبدیل می‌شوند. تا وقتی عصبانیت شدید نشده است، انسان خوب و بد را تشخیص می‌دهد؛ اما هنگام بروز عصبانیت شدید، «تمیز»، «ظهور» یا «کشف» حسن و قبح را ازدست خواهد داد.

براساس پژوهش‌های صورت‌گرفته، هرچند در دیدگاه روایی به موضوع خرد و خردمندی، بسیار اهمیت داده شده و ویژگی‌های متعدد انسان خردمند ذکر شده، تاکنون در این زمینه، تحقیقی کیفی درباره ویژگی‌های انسان خردمند و مقایسه آن با دستاوردهای روان‌شناسی صورت نگرفته است؛ از این روی، در پژوهش حاضر، درصدد پرکردن این خلأ هستیم. سؤال اصلی تحقیق، آن است که براساس آموزه‌های اسلامی، انسان خردمند چه ویژگی‌هایی دارد، این ویژگی‌ها از دیدگاه روان‌شناسان، کدام‌اند و درنهایت، بین این دو دیدگاه درخصوص معیارشناسی خرد، چه ارتباطی وجود دارد.

روش پژوهش

در پژوهش حاضر، از روش کیفی به شیوه استقرایی - قیاسی با پارادایم تفسیری و رویکرد تحلیل متن عرفی یا قراردادی استفاده کرده‌ایم. ثبات کدگذاری و روایی نتایج و استنباط‌های محقق با استفاده از روش‌هایی مانند مقایسه مداوم و جست‌وجوی نظر متخصصان درباره تناسب مقوله‌های به دست آمده با داده‌های متنی، منطقی بودن ترکیب مقوله‌های به دست آمده و تبیین منطقی گزاره‌های استخراج شده از مقوله‌های ترکیبی حاصل شده است. نمونه‌های مورد استفاده در پژوهش به صورت هدفمند انتخاب شده‌اند و تعداد آن‌ها تا رسیدن به حد اشباع در نظر گرفته شده است. بدین منظور، در بخش آموزه‌های دینی، کل روایات متضمن معنای عقل (عقل، حلم، لبّ) و عاقل (عاقل و اولوالباب) و نیز معنای ضد آن‌ها (جاهل، احمق، سفیه و مجنون) را با استفاده از نرم‌افزارهای نور، از کل جامعه آماری استخراج کرده‌ایم. مجموع روایات، ۲۶۰۷ مورد بود و با حذف موارد تکراری به ۶۹۳ روایت رسید. برای درک صحیح مراد روایات، به کتاب‌های لغت متقدم و معتبر مانند العین از خلیل بن احمد فراهیدی، معجم مقاییس اللغه از ابن فارس و لسان العرب از ابن منظور (م. ۷۱۱ق.) مراجعه و در موارد غامض نیز برای کشف مراد، از کتب شرح مانند مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول علیهم السلام از علامه مجلسی (م. ۱۱۱۱ق.)، بیانات ایشان در بحار الأنوار و نیز شرح کافی از مولی صالح مازندرانی (م. ۱۰۸۱ق.) استفاده کردیم.

برای استخراج و تبیین دیدگاه متخصصان در حوزه روان‌شناسی، به متن‌های تخصصی تألیف شده از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۲۰ مراجعه، مطالب مورد نیاز را به صورت هدفمند انتخاب و بررسی، و نظرهای ۲۵ اندیشمند این حوزه را استخراج کردیم. در مرحله بعد، به منظور بررسی صحت مطالب به دست آمده از متن‌های تخصصی در حوزه خرد از دیدگاه متخصصان، یافته‌ها را به هفت متخصص حوزه معارف و روان‌شناسی ارائه کردیم و آنان این یافته‌ها را تأیید کردند. بدین ترتیب، مثلث‌سازی پژوهش صورت گرفت و سپس کل موارد در نرم‌افزار MAXQDA وارد و کدگذاری شد. برای بررسی دقت کدگذاری، از روش پایایی کدگذاران استفاده کردیم و با ضریب توافق ۹۲ درصد، کدگذاری را انجام دادیم.

جامعه آماری مورد استفاده برای بررسی معیار خردمندی در روایات، کتب اربعه حدیثی شیعه و بحار الأنوار بوده است؛ همچنین جامعه آماری مورد استفاده برای بررسی دستاوردهای روان‌شناسان در زمینه معیارشناسی خردمندی، شامل کتاب‌ها و متن‌های تخصصی روان‌شناسان به زبان‌های فارسی و انگلیسی در بازه زمانی سی‌ساله (از سال ۱۹۹۰ تا سال ۲۰۲۰) بوده که از کتاب‌های معتبر و پایگاه‌های اطلاع‌رسانی Irandoc، Noormags، Scopus، Magiran، Elsevier، Civilica و Eric استخراج شده است.

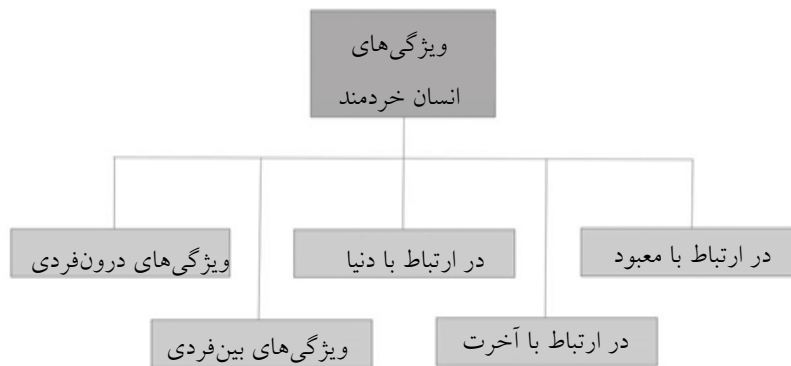
یافته‌های پژوهش

در این پژوهش، نمونه‌هایی از روایات مرتبط با مفهوم خرد استخراج و کدگذاری شده‌اند. جامعه آماری ازدیدگاه روان‌شناسان مورد نظر در این تحقیق کدگذاری شده و این کدها در جدول ۳ آمده است.

جدول ۱. کد مآخذ

کد	نام کتاب	کد	نام کتاب
۱۶	الکافی	۰۱	اختصاص
۱۷	نزهة الناظر	۰۲	اعلام الدین
۱۸	كشف الغمة	۰۳	امالی شیخ طوسی
۱۹	كشف المهجئة	۰۴	امالی شیخ صدوق
۲۰	كشف اليقين	۰۵	تحف العقول
۲۱	كنز الفوائد	۰۶	توحيد مفضل
۲۲	أمالی مفید	۰۷	جامع الاخبار
۲۳	المحاسن	۰۸	منیة المرید
۲۴	التوحيد	۰۹	خصال
۲۵	مكارم الاخلاق	۱۰	الدرة الباهرة
۲۶	من لا يحضره الفقيه	۱۱	روضه الواعظین
۲۷	نهج البلاغه	۱۲	علل الشرايع
۲۸	النوادر راوندی	۱۳	عیون أخبار الرضا علیه السلام
۲۹	الدعوات راوندی	۱۴	عیون الحكم

در این پژوهش، کدهای اساسی‌ای را که تعیین‌کننده ویژگی‌های انسان خردمند در متن روایات هستند، در فرایند کدگذاری باز دسته‌بندی کرده و سپس در کدگذاری محوری در قالب کدهای نظری مدنظر قرار داده‌ایم. بر مبنای دسته‌بندی کدهای نظری، در کدگذاری اساسی، پنج بُعد اصلی بدین شرح را می‌توان مشاهده کرد: ویژگی‌های بین-فردی، ویژگی‌های درون‌فردی، ویژگی‌های در ارتباط با دنیا، ویژگی‌های در ارتباط با آخرت و ویژگی‌های در ارتباط با معبود.



نمودار ۱. ویژگی‌های انسان خردمند از دیدگاه روایات معصومان

در جدول ۲ ارتباط بین کدهای هسته‌ای، نظری و اساسی به دست آمده برای تبیین ویژگی‌های انسان خردمند همراه با کد مآخذ مربوط آمده است.

جدول ۲. ویژگی‌های انسان خردمند در احادیث اهل بیت (ع)

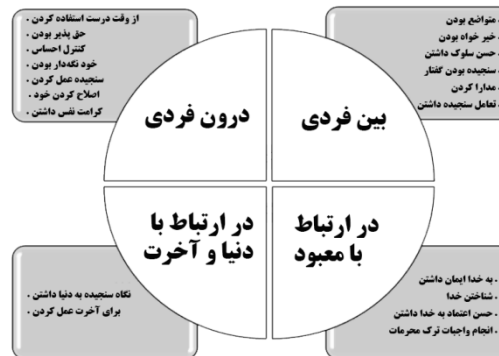
کد مآخذ	کد اساسی	کد نظری	کد هسته‌ای	رتبه
۱، ۲، ۵، ۶، ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۷، ۱۹، ۲۱، ۲۵، ۲۷	حق پذیر بودن، قابل هدایت بودن، جانب‌داری- نکردن از باطل، معتقد بودن به آموخته‌های صحیح، انکار نکردن آنچه نمی‌داند، مداومت بر خیر داشتن، پندپذیر بودن، به حق شک نکردن، به فکر جبران اشتباه خود بودن، اطاعت کردن از نصیحت خیر خواهانه، به دنبال علم بودن	حق پذیر بودن	ویژگی‌های درون‌فردی	۱

کد پی.دی.کد هسته‌ای	کد نظری	کد اساسی	کد مأخذ
۲	کنترل احساس	غصه‌ها را تحمل کردن، غصه‌ها را جرعه‌جرعه فروبردن، نداشتن گفتار و رفتار زشت هنگام بروز سختی‌ها، شاداب بودن درعین استواری، نرم دل بودن	۲۷، ۱۵، ۱۲، ۹، ۵
۳	خودنگهدار بودن	صبر بر تنهایی داشتن، اخلاص داشتن، پا را از گلیم خود درازتر نکردن، از بدی‌ها پرهیز کردن، دربی اصلاح خود بودن	۱۲، ۱۱، ۹، ۷، ۵، ۴، ۲۵، ۲۱، ۱۷، ۱۴، ۲۷
۴	سنجیده عمل کردن	عمل نیکو داشتن، قول دادن در حد توانایی، از یک سوراخ دو بار گزیده‌نشدن، فریب مسائل بیهوده را نخوردن، دوراندیش بودن، برای حل مشکلات به دنبال فرصت بودن، به سلامتی اهمیت دادن، تشخیص دادن بد از بدتر، با پافشاری بر هدف به آن نزدیک شدن	۱۰، ۹، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱۸، ۱۶، ۱۳، ۱۲، ۱۹، ۲۰، ۲۳، ۲۸، ۳۰
۵	اصلاح کردن خود	برطرف کردن عیوب خود از طریق به‌خاطر سپردن و نوشتن آن‌ها، اقدام نکردن به کاری که احتمال موفقیت در آن وجود ندارد، اهل رشد بودن، هر کاری را درست و به‌جا و به‌اندازه انجام دادن، نفس خود را تمرین دادن	۱۲، ۱۱، ۹
۶	کرامت نفس داشتن	خوشبخت بودن، حسد نورزیدن، باحیاب بودن، رازدار بودن، قانع بودن، درعین تنگ‌دستی توانگر بودن، رضایت داشتن، اندیشمند بودن	۱۴، ۱۲، ۹، ۶، ۵، ۴، ۲۷، ۱۹، ۱۷، ۱۵، ۳۰، ۲۸
۷	از وقت، درست استفاده کردن	وقت خود را تقسیم کردن، قسمتی از وقت را برای عبادت صرف کردن، قسمتی از وقت را برای محاسبه نفس صرف کردن، قسمتی از وقت را برای لذت حلال صرف کردن	۹، ۵

ردیف	کد هسته‌ای	کد نظری	کد اساسی	کد مأخذ
۱		متواضع بودن	خوار و خفیف نکردن دیگران، برتر دانستن دیگران از خود، سرزنش نکردن، شاکر بودن هنگام برخورداری از نعمت‌ها، قضاوت نکردن در صورت بی‌اطلاعی	۳، ۵، ۹، ۱۰، ۱۲
۲		خیر خواه بودن	امانت‌داری بودن، سبقت گرفتن در انجام دادن کار خیر، پسندیدن آنچه برای خود می‌پسندد برای دیگران، خیانت نکردن، مردم‌آزار نبودن	۳، ۵، ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۵، ۲۹
۳	ویرگی‌های بین فردی	حُسن سلوک داشتن	ادب داشتن، یکی بودن ظاهر و باطن، خوش‌رو بودن، به دیگران کمک مالی کردن، سخاوتمند بودن در عین تنگ‌دستی	۴، ۵، ۹، ۱۰، ۱۲، ۱۳، ۱۵
۴		سنجیده بودن گفتار	راست‌گویی بودن، سخن‌نگفتن فرد با کسی که او را تکذیب می‌کند، خوش‌گفتار بودن، فکر کردن قبل از حرف زدن، پاسخ‌گویی در صورت وجود داشتن سؤال، نگاه داشتن زبان	۱، ۵، ۹، ۱۲، ۱۸، ۲۱، ۳۰
۵		مدارا کردن	رفتار کردن با حلم هنگام بروز لغزش از سوی دیگران، مدارا داشتن، رفتار سرسختانه نداشتن با دیگران، مهربان بودن، دل‌رحم بودن، به والدین نیکی کردن	۱، ۴، ۵، ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۸، ۲۱، ۲۲
۶		تعامل سنجیده داشتن	استفاده کردن از تجربیات، دوری کردن از دوستان بد، چیزی نخواستن از کسی که مضایقه می‌کند، دوستی کردن با مردم، هم‌صحبت بودن با عقلا	۵، ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۴، ۲۱، ۲۳، ۲۶، ۲۷، ۳۰، ۲۹

ردیف	کد هسته‌ای	کد نظری	کد اساسی	کد مأخذ
۱	ویژگی‌های در ارتباط با آخرت و آخرت	نگرش سنجیده به دنیا داشتن	از دنیاطلبی دوری کردن، از مرگ پندگرفتن	۲۱، ۱۴، ۱۲، ۹، ۵
۲		برای آخرت کارکردن	به آخرت رغبت داشتن، برای آخرت عمل کردن	۲۴، ۲۱، ۱۲، ۹، ۵ ۳۰
۱	ویژگی‌های در ارتباط با خدا	به خدا ایمان- داشتن	انتخاب کردن دین براساس شناخت، دین داشتن، از خدا ترسیدن، در تنهایی با خدا انس گرفتن، دعاکردن	۲۷، ۱۵، ۱۲، ۹، ۵
۲		شناختن خدا	شناختن خدا، نزدیک بودن به خدا، تکذیب- کردن دروغ بر خدا، معرفت داشتن به خداوند، در بلندی سلطنت خدا حیران بودن	۱۲، ۱۱، ۹، ۸، ۵، ۴ ۳۰، ۲۷، ۲۰
۳		حُسن اعتماد به خدا	حُسن اعتماد داشتن به خدا، توکل به خدا داشتن، هنگام بروز مشکلات به خدا پناه بردن، ترجیح دادن ذلت با خدا بر عزت با غیر خدا	۲۷، ۹، ۵
۴		انجام دادن واجبات و ترک محرمات	به اوامر خدا عمل کردن، واجبات را از خدا گرفتن، واجب دانستن آنچه خدا واجب کرده است	۲۷، ۱۲، ۱۱، ۹، ۵ ۳۰

در نمودار ۲، تبیین ویژگی‌های انسان خردمند در آیات و روایات آمده است.



نمودار ۲. ویژگی‌های انسان خردمند در روایات

همان‌گونه که در نمودار می‌بینیم، ویژگی‌های انسان خردمند، شامل چهار دسته درون‌فردی، بین‌فردی، در ارتباط با معبود، و در ارتباط با دنیا و آخرت مشخص شده است. در ادامه، این ویژگی‌ها را شرح می‌دهیم.

الف) ویژگی‌های درون‌فردی: آنچه از کلام معصومان (ع) به‌دست آمده است، نشان می‌دهد انسان خردمند مجموعه‌ای از ویژگی‌های رفتاری دارد که می‌توان آن‌ها را ویژگی‌های درون‌فردی نامید. این ویژگی‌ها به هفت زیرمؤلفه اصلی تقسیم می‌شوند: اولین مؤلفه در انسان خردمند، پذیرش حق (حق‌پذیر بودن) است؛ دومین مؤلفه، کنترل احساس هنگام رویارویی با غصه و غضب؛ سومین مؤلفه، خودنگهدار بودن در مقابل هیجان‌ها و اتفاق‌های پیش‌آمده در زندگی؛ چهارمین مؤلفه، سنجیده عمل کردن؛ پنجمین مؤلفه، آنکه انسان خردمند همواره در حال اصلاح کردن رفتار خود است؛ ششمین مؤلفه به این نکته اشاره می‌کند که انسان خردمند کرامت نفس خود را حفظ می‌کند؛ آخرین مؤلفه نشان می‌دهد انسان خردمند در استفاده درست از زمان، دقیق و صحیح عمل می‌کند.

ب) ویژگی بین‌فردی: یافته‌ها نشان می‌دهد انسان خردمند در ارتباط با دیگران، متواضع رفتار می‌کند، خیرخواه دیگران است، حُسن رفتار دارد، سنجیده سخن می‌گوید، با مردم مدارا می‌کند و با دیگران تعاملی سنجیده دارد. عملکرد سنجیده را در رفتارهایی همچون زیر دین دیگران نرفتن، دوری کردن از دوستان بد و همکاری کردن در انجام دادن کارهای درست می‌توان دید.

ج) ویژگی در ارتباط با دنیا و آخرت: این ویژگی انسان خردمند در روایات با دو زیرمؤلفه مشخص شده است: نخست، نگاه سنجیده داشتن به دنیا که در این صورت، خردمند به دنیا رغبتی ندارد، به زندگی دنیا دلخوش نیست و به وسیله حوادث دنیا غفلت‌ها را از خود دور می‌کند. در دومین مؤلفه، این ویژگی مشخص شده است که انسان خردمند اعمال خود را برای دستیابی به مقاصد دنیوی انجام نمی‌دهد و در تمام اعمالش همواره خود را برای آخرت آماده می‌کند.

د) ویژگی‌های در ارتباط با خدا: دز کلام معصومان (ع)، انسان خردمند به خدا ایمان دارد، در مسیر معرفت حق گام برمی‌دارد، به خدا حُسن اعتماد دارد و به انجام دادن واجبات و ترک محرمات در اعمال روزمره‌اش توجه می‌کند. یافته‌های پژوهش، ویژگی‌های انسان خردمند از نگاه روان‌شناسان را نشان می‌دهد و نمونه‌هایی از نظرهای روان‌شناسان استخراج و کدگذاری شده که با مفهوم خرد، مرتبط است. جامعه آماری از منظر روان‌شناسان که در تحقیق از آن استفاده شده، کدگذاری و کدها در جدول ۳ به دست داده شده است.

جدول ۳. کد مآخذ ویژگی‌های انسان خردمند در دستاوردهای روان‌شناسی

نام اندیشمند	سال	کد	نام اندیشمند	سال	کد
آبری	۱۹۹۵	۰۱	پیازه	۱۹۶۸	۱۳
اتکینسون	۱۹۸۵	۰۲	جفری وبستر	۲۰۰۳	۱۴
آردلت	۲۰۱۱	۰۳	سیمون	۱۹۱۱	۱۵
استاودینگر	۲۰۰۰	۰۴	شپینگ یانگ	۲۰۱۱	۱۶
استرنبرگ	۲۰۰۴	۰۵	کلیتون	۱۹۸۰	۱۷
زاگر	۲۰۱۸	۰۶	کهن	۱۹۹۵	۱۸
اکاف	۱۹۴۷	۰۷	گری گراث	۲۰۱۴	۱۹
بالتز	۲۰۰۳	۰۸	مارنات	۲۰۱۴	۲۰
برلاینر	۱۹۹۲	۰۹	مک ایتنایر	۱۹۵۹	۲۱
بیرلی	۲۰۰۴	۱۰	نوناکا	۱۹۹۵	۲۲
برن	۱۹۸۰	۱۱	نیت گیچ	۱۹۱۷	۲۳
بینه	۱۹۰۸	۱۲	هیلگارد	۱۹۹۶	۲۴

در نمودار ۳، یافته‌های به دست آمده از نتایج دستاوردهای تجربی با استفاده از متن‌های تخصصی در حوزه روان‌شناسی درباره ویژگی‌های انسان خردمند را دسته‌بندی کرده‌ایم.



نمودار ۳. ویژگی‌های انسان خردمند در دستاوردهای روان‌شناسان

در جدول شماره ۴ ارتباط بین کدهای هسته‌ای و نظری و اساسی به دست آمده از یافته‌های ویژگی‌های انسان خردمند در دستاوردهای روان‌شناسان که در فرایند تحقیق مورد بررسی قرار گرفته بود، به همراه کد مآخذ مربوطه آورده شده است.

جدول ۴. ویژگی‌های انسان خردمند در دستاوردهای روان‌شناسان

ردیف	کد هسته‌ای	کد نظری	کد اساسی	کد مآخذ
۱	ویژگی‌های بین‌فردی	درباره دیگران، خوب	خوب قضاوت کردن، در نظر گرفتن	۱، ۳، ۹، ۱۲، ۱۴
۲		قضاوت کردن	نظری‌های دیگران، در نظر گرفتن منافع	۱۵، ۱۶، ۱۸، ۲۳
		اهمیت دادن به دیگران	پیوندهای اجتماعی، اثرهای مفید برای دیگران داشتن، از جامعه مراقبت-	

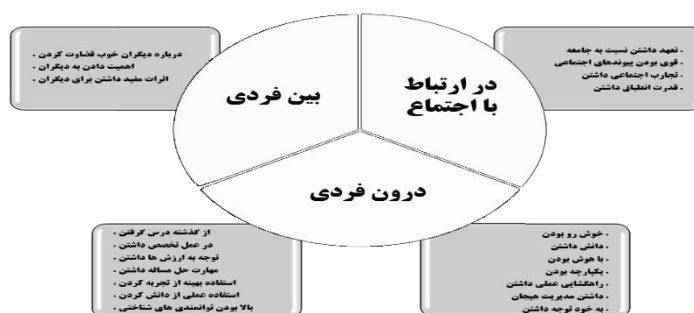
ردیف	کد هسته‌ای	کد نظری	کد اساسی	کد مأخذ
۳		اثرهای مفید داشتن برای دیگران	کردن، برخورداری از مهارت اجتماعی به‌میزانی چشمگیر، به جامعه تعهد اخلاقی داشتن	
۴		از گذشته درس- گرفتن	مقابله سازنده با مشکلات، شناختن هیجان‌ها، پذیرش هیجان‌ها، به‌کار بستن هیجان‌ها، گشودگی داشتن، در نظر گرفتن احتمال‌ها، در نظر گرفتن روش‌های جدید برای حل کردن مسائل، شوخ-طبعی داشتن، آرامش دادن به خود، یکپارچگی شناختی داشتن، بررسی نتایج عمل، اثرهای مفید برای خود داشتن، یکپارچه‌بودن ابعاد فردی، تشخیص دادن وظایف، توانایی پاسخ-دادن به سؤال‌های دشوار، در نظر گرفتن کدهای اخلاقی و معنوی در حل مسائل، حل کردن مسائل سخت، استفاده بهینه از دانش، براساس دانش عمل کردن، معنادار کردن داده‌ها براساس ارزش‌ها، توانایی داشتن برای حل مسائل، شناختن خود، به هویت شکل-دادن، دانش عمیق داشتن، بازیابی کردن خاطرات، به خیر همگانی دست‌یافتن، توانایی استدلال داشتن، آگاهی داشتن از مسائل بنیادین، تنظیم هیجانی داشتن، سازگاری با محیط، برخورداری از	۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳
۵	ویژگی‌های درون‌فردی	در عمل، تخصص داشتن		

رتبه	کد هسته‌ای	کد نظری	کد اساسی	کد مأخذ
۶		توجه کردن به ارزش‌ها	مهارت هیجانی به‌میزانی چشمگیر، خوب درک کردن، شعور عملی داشتن، توانایی داشتن برای حل مسائل، بازنگری کردن، خوب استدلال کردن، تفکر، برخورداری از دانش، به‌کارگیری هوش و تجربه در راستای ارزش‌ها، بینش داشتن، در نظر گرفتن منافع خود، باهوش بودن، توانایی یادگیری داشتن	
۷		به خود توجه کردن		
۸		برخورداری از توانمندی‌های شناختی به‌میزانی چشمگیر		
۹		دانش داشتن		
۱۰		راه‌گشایی عملی داشتن		
۱۱		خوش‌رو بودن		
۱۲		مهارت حل مسئله داشتن		
۱۳		از دانش به‌صورت عملی استفاده کردن		
۱۴		باهوش بودن		
۱۵		استفاده بهینه از تجربه		

ردیف	کد هسته‌ای	کد نظری	کد اساسی	کد مأخذ
۱۶		یکپارچه بودن		
۱۷		داشتن مدیریت هیجان		
۱۸		متعهد بودن به جامعه	تعهد اخلاقی داشتن در قبال جامعه	
۱۹		قوی بودن پیوندهای اجتماعی	تقویت پیوندهای اجتماعی، برخورداری از مهارت اجتماعی به-میزان چشمگیر، داشتن تجربه‌های مفید بحرانی، تجربه‌های مفید اجتماعی داشتن، تعامل شایسته با موقعیت‌های زندگی، سازگاری با محیط، انطباق یافتن با وضعیت‌های مختلف	۲، ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۲۴
۲۰		تجربه‌های اجتماعی داشتن		
۲۱		قدرت انطباق داشتن		

ویژگی‌های در ارتباط با محیط

در نمودار ۳، تبیین ویژگی‌های انسان خردمند در دستاوردهای روان‌شناسی آمده است.



نمودار ۳. ویژگی‌های انسان خردمند در دستاوردهای روان‌شناسی

یافته‌هایی که در بررسی‌های روان‌شناختی در نمودار ۳ می‌بینیم، نشان می‌دهند روان‌شناسان در بررسی‌های خود درباره‌ی انسان خردمند، سه دسته کلی را در نظر گرفته‌اند و از نگاه آنان، انسان خردمند کسی است که درباره‌ی دیگران، خوب قضاوت کند، به آن‌ها اهمیت بدهد و برایشان مفید باشد. درحوزه‌ی ویژگی‌های درون‌فردی برای انسان خردمند، چهارده زیرمؤلفه بدین شرح به‌دست آمد: از گذشته درس‌گرفتن، در عمل تخصص‌داشتن، توجه به ارزش‌ها، توجه به خود، برخورداری از توانمندی‌های شناختی به‌میزانی چشمگیر، داشتن دانش، داشتن راهگشای عملی، خوش‌روبودن، توانایی حل مسئله، استفاده‌ی عملی از دانش، باهوش‌بودن، استفاده‌ی بهینه از تجربه، یکپارچه‌بودن و داشتن مدیریت هیجانی. در مطالعات روان‌شناسان علاوه بر ویژگی‌های فردی و بین‌فردی، ویژگی‌هایی برای انسان خردمند در ارتباط با محیط وجود دارد که عبارت‌اند از: تعهدداشتن به جامعه، برخورداری از پیوندهای اجتماعی قوی، تجربه‌های اجتماعی و داشتن قدرت انطباق.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر، استخراج ویژگی‌های انسان خردمند از دیدگاه پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) از منابع حدیثی شیعه و مقایسه‌ی این ویژگی‌ها با یافته‌های روان‌شناختی بوده است. ویژگی‌های انسان خردمند در آموزه‌های وحیانی، چهار بُعد بین‌فردی، درون‌فردی، در ارتباط با دنیا و آخرت، و در ارتباط با معبود دارد و ویژگی‌های انسان خردمند از دیدگاه روان‌شناسان، دارای سه بُعد درون‌فردی، بین‌فردی و در ارتباط با اجتماع است.

توجه دیدگاه وحیانی به ارتباط با معبود، رویکرد خدامحوری و توجه به معبود را نشان می‌دهد. رویکرد خدامحوری بر همه‌ی شئون این رویکرد اثر می‌گذارد و توجه را از منافع دنیوی انسان به سمت رضایت پروردگار و سرانجام، منافع اخروی او برمی‌گرداند. در بُعد ارتباط با خدا کدهای نظری «شناختن خدا» و «متعال‌دانستن او» بُعد شناختی انسان خردمند در ارتباط با خدا را نشان می‌دهد و «به خدا ایمان‌داشتن»، «به او حسن اعتماد داشتن» و «از خدا خوف‌داشتن»، ویژگی‌های عاطفی این انسان را به‌تصویر می‌کشد. درنهایت، این شناخت و نگرش به اعمال و رفتارهایی همچون «تسلیم‌بودن

در برابر خدا» و «انجام دادن واجبات و ترک محرّمات الهی» می‌انجامد. در این شناخت‌ها، نگرش‌ها و رفتارها برای خداوند متعال، حقوقی به‌تصویر کشیده شده است که وظایفی را برای انسان خردمند ارمغان می‌آورد. در واقع، نوعی تعبد و تسلیم در برابر پروردگار در آن نهفته است و نشان می‌دهد انسان خردمند بر مبنای این تعبد زندگی می‌کند. روشن است که این‌گونه تسلیم در مقابل خدا بسیاری از آزادی‌ها را محدود می‌کند و حاکمیت پروردگار، تعیین‌کننده حدود آن است؛ بدین ترتیب، صرفاً انسانیت و طبیعت خود انسان، حقوق و وظایف انسان خردمند را تعریف نمی‌کند و قواعد و قوانین الهی بر آن حاکم می‌شود. در منابع بررسی شده از دیدگاه روان‌شناختی، درباره ویژگی‌های انسان خردمند «در ارتباط با معبود»، گزاره‌ای ذکر نشده و گزاره‌های ارزشی این دیدگاه در ابعاد دیگر مانند بُعد درون‌فردی و بین‌فردی نمایان است.

ویژگی‌های انسان خردمند «در ارتباط با دنیا» با کدهایی نظری مانند «آگاه به زمانه بودن» و «نگاه سنجیده به دنیا داشتن» کدگذاری شده است و زیرکدهایی نظری مانند: «به زندگی دنیا دلخوش نبودن»، «به دنیا بی‌توجه بودن»، «به دنیا بی‌رغبت بودن»، «از دنیا دوری کردن» و «به حداقل دنیا اکتفا کردن» نشان می‌دهد انسان خردمند به خود دنیا توجهی ندارد و خوشی و راحتی خود را تنها در آن جست‌وجو نمی‌کند؛ بلکه دنیا را پلی برای رسیدن به آخرت می‌داند که محل عبور است؛ نه جای سکونت و باقی ماندن، و تنها وسیله‌ای است برای زندگی اخروی پر بارتر؛ پس به آن دل خوش نمی‌کند. روشن است که این‌نوع نگرش به دنیا بر همه شئون زندگی انسان خردمند اثر می‌گذارد. توجه به بُعد «ارتباط با آخرت»، بیانگر آخرت‌محوری و اصالت توجه به معاد در دیدگاه روایتی است و نشان می‌دهد بازخورد کارهای انسان، تنها در دنیا نمودار نمی‌شود؛ بلکه برای قضاوت درباره نتایج اعمال و افکار او لازم است برآیند دنیا و آخرت سنجیده شود. ورود بُعد اخروی به عرصه زندگی انسان خردمند، بسیاری از معادله‌های دنیوی را برهم می‌زند و محاسبه‌های ظاهری را دشوار می‌کند. کدهایی نظری مانند: «برای آخرت عمل کردن»، «به یاد مرگ بودن» و «پرهیزکار و رستگار بودن» نشان می‌دهد انسان خردمند در زندگی‌اش همواره آخرت و مرگ را پیش چشم خود، زنده نگاه می‌دارد. طبیعی است که این رویکرد بر احساسات و رفتارهایش به‌میزان

زیادی اثر می‌گذارد و چگونگی تعامل‌های وی با دیگران، خودش و دنیا را رقم می‌زند. با توجه به بررسی‌های صورت گرفته، در منابع روان‌شناسی در خصوص ویژگی انسان خردمند، این بعد یافت نشد.

دیدگاه روان‌شناسی دارای بُعد «در ارتباط با اجتماع» است. این بعد با ویژگی‌هایی مانند «تعهد داشتن به جامعه»، «قوی بودن پیوندهای اجتماعی»، «قدرت انطباق داشتن» و «داشتن تجربه‌های اجتماعی» توصیف شده است و کدهای اساسی «به جامعه تعهد اخلاقی داشتن»، «قوی کردن پیوندهای اجتماعی»، «بالا بودن مهارت اجتماعی»، «داشتن تجربه‌های مفید بحرانی»، «تعامل خوب با موقعیت‌های زندگی» و «سازگاری با محیط و انطباق با شرایط»، توانمندی و تعهد انسان خردمند در برابر جامعه را نشان می‌دهد. در این پژوهش، در دیدگاه روایتی، «ارتباط با اجتماع» و تعامل‌های بین‌فردی در بُعد ویژگی‌های بین‌فردی کدگذاری شده است.

ویژگی‌های درون‌فردی در هر دو دیدگاه، بیشترین کدها و زیرکدها را به خود اختصاص داده‌اند و کثرت این کدها اهمیت و زیادبودن توانایی‌های فردی انسان خردمند و توجه به خودسازی در هر دو دیدگاه را نشان می‌دهد. در منابع روایتی، برخی کدهای نظری مانند «نفس خود را حفظ کردن»، «اصلاح کردن خود»، «پسندیده عمل-کردن»، «کنترل احساسات»، «قانع بودن»، «با خطای خود برخورد کردن»، «خودنگهدار بودن»، «پاکدامن بودن» و «صبور بودن»، حاکی از ویژگی خودنگهداری و کنترل خویش است. مطلق بودن خوب و بد، هم‌گرایی حق و باطل، و توانایی انسان خردمند در تشخیص دادن آن‌ها نتیجه کدهایی نظری مانند «تشخیص خوب و بد»، «جدا کردن حق از باطل»، «اهل یقین بودن»، «شناخت واجب و حرام» و «درک واقعیت امور» است. بیشترین زیرکدهای نظری، متعلق به حق‌پذیری است و این ویژگی به نوعی، ثبات حق و الزام انسان خردمند در تبعیت از آن را تأیید می‌کند. کدهایی نظری مانند «باحیا بودن»، «باوقار بودن»، «حسودنبودن»، «بااخلاص بودن»، «رازدار بودن» و «میان‌رو بودن»، برخی ویژگی‌های اخلاقی و ارزش‌مدار در این دیدگاه را نشان می‌دهند. «پویایی»، «زیرکی»، «اهل تفکر بودن» و «دوراندیش بودن» برخی توانایی‌های انسان خردمند شمرده شده‌اند که البته در راستای ارزش‌ها و خوب و بد مطلق او به کار گرفته می‌شوند. مجموع این ویژگی‌ها

نشان می‌دهند انسان خردمند، ملزم به رعایت بایدها و نبایدهای درونی‌ای است که او را درزمره خردمندان قرار می‌دهند. این الزام‌ها به‌نوعی خردمندی و همچنین خودپذیری انسان عاقل را به ارزش‌ها مشروط می‌کنند و او درصورت تخطی از آنها مؤلفه‌هایی مانند «حیا»، «شرمندگی از اشتباه خود»، «با خطای خود برخوردکردن» و زیرکدهایی نظری مانند: «از خطای خود بازگشتن»، «از گناه توبه‌کردن» و «به فکر جبران اشتباه خود بودن» را باید درپیش بگیرد؛ به عبارت دیگر، نوعی حق‌محوری در بسیاری از این کدهای نظری و زیرکدهای نظری وجود دارد.

بعد درون‌فردی در دیدگاه روان‌شناسی، بیانگر ویژگی‌های شناختی، مهارتی و هیجانی انسان خردمند است. کدهای «داشتن مهارت حل مسئله»، «باهوش‌بودن»، «بالا بودن توانمندی‌های شناختی»، «دانش‌داشتن»، «از گذشته درس گرفتن» و «به خود توجه-داشتن»، بیانگر توانمندی‌های شناختی است. از جهت عملی، کدهای نظری «راهگشایی عملی داشتن»، «تخصص در کار داشتن»، «استفاده بهینه از تجربه»، «توجه‌داشتن به ارزش‌ها» مهارت‌های فردی را نشان می‌دهد. کدهای نظری «خوش‌رو بودن»، «داشتن مدیریت هیجان» و «یکپارچه‌بودن»، انسان خردمند را از جهت هیجانی متمایز می‌کند.

براساس یافته‌های این پژوهش، بعد ویژگی‌های بین‌فردی در روایات، کدهایی نظری مانند «کناره‌گیری نکردن از دیگران» و «مردم‌دار بودن»، «مداراکردن»، «وفادار بودن» و «گذشت‌کردن»، اهمیت برقرارکردن ارتباط و حفظ ارتباط با دیگران را نشان می‌دهند. کدهایی نظری مانند «روراست‌بودن»، «قضاوت بیجا نکردن»، «منصف‌بودن»، «خیرخواه‌بودن»، «متواضع‌بودن»، «مهربان‌بودن»، «سخاوتمندبودن» و «سنجیده‌بودن گفتار»، قواعد و راهکارهای ارزش‌مدار برای برقراری و حفظ ارتباط نشان می‌دهند. کدهایی نظری مانند «نیکی‌کردن به والدین» و «همسایه خوب بودن»، بیانگر اهمیت توجه به حقوق دیگران با توجه به جایگاه آنهاست و نشان می‌دهد در ارتباط با دیگران، همه انسان‌ها به‌صورت یکسان و بدون تفاوت با یکدیگر در نظر گرفته نمی‌شوند.

در بعد ویژگی‌های بین‌فردی در دیدگاه روان‌شناسی، کد نظری «اهمیت‌دادن به دیگران»، بیانگر محترم‌دانستن دیگران در این دیدگاه است. کد نظری «اثرات مفید

داشتن برای دیگران» با زیرکدهایی نظری مانند «به بقیه آرامش دادن»، «مراقبت کردن از دیگران» و «به خیر همگانی دست یافتن» نشان می‌دهد انسان خردمند به دیگران متعهد است. کد نظری «درباره دیگران، خوب قضاوت کردن» نشان می‌دهد در ارزیابی دیگران باید از انواع جهت‌گیری‌ها خودداری کرد.

در مجموع، مقایسه دو دیدگاه نشان می‌دهد در دیدگاه وحیانی به جزئیات هریک از ابعاد، بیشتر پرداخته شده؛ اما در دستاوردهای روان‌شناختی، بیشتر، کلیات مورد توجه قرار گرفته است.

براساس یافته‌های این پژوهش، در دیدگاه درون‌دینی، کثرت کدهای نظری و زیرکدهای نظری درون‌فردی و بین‌فردی انسان خردمند در مقایسه با دیگر ابعاد، اهمیت اخلاق و ارتباطات انسانی از نظر شارع را نشان می‌دهد. پیامبر اکرم (ص) در تأیید این مطلب می‌فرماید: «من فقط مبعوث شده‌ام تا مکارم اخلاق را کامل کنم» (طبرسی، ۱۳۷۰). خرد انسان، ارتباط صحیح در تعامل با انسان‌ها را تعیین و تبیین می‌کند و خردمندی انسان درگرو پذیرش و به‌کار بستن این اخلاقیات است.

با استفاده از یافته‌های بخش روایتی این پژوهش می‌توان به مسئله خرد از منظر درون‌دینی نگریست؛ زیرا در این فرهنگ، خردمندی ستون انسانیت (کلینی، ۱۴۰۷ق) و ملاک برتری انسان بر چهارپایان است. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «خداوند در حیوانات، شهوت را بدون عقل قرار داد؛ ولی در انسان، عقل و شهوت را با هم گذاشته است؛ پس هرکس شهوتش را بر عقلش غلبه دهد، پست‌تر از حیوانات است» (صدوق، ۱۳۸۵، ج. ۱، ص. ۴). با استفاده از خصوصیات انسان خردمند که در این تحقیق استخراج شده است، می‌توان شاخصه‌ها و هدف‌های تربیتی انسان را تعریف و دسته‌بندی کرد و مریبان و انسان‌های وارسته که درصدد تربیت، رشد و تعالی خود هستند، می‌توانند با نهادینه کردن این هدف‌ها به سمت ارتقای سطح خردمندی خود و متریبانشان حرکت کنند. یافته‌های بخش روان‌شناسی این پژوهش می‌تواند با تفصیل مؤلفه‌های استخراج شده در جهت روشمند کردن این آموزش هم‌افزایی داشته باشد.

در انجام دادن این پژوهش، محدودیت‌هایی وجود داشته؛ مانند وسعت زیاد روایات مرتبط با این تحقیق که سبب دشواری گردآوری و کدگذاری شده؛ همچنین بین‌رشته‌ای

بودن پژوهش، روند انجام‌شدن آن را طولانی کرده است. گرچه در این پژوهش، مانند هر پژوهش کیفی دیگر، احتمال دخالت‌یافتن ذهنیت پژوهشگر مطرح است، می‌توان گفت به سبب تشکیل‌شدن مثلث متخصصان، این احتمال کاهش یافته است. از آنجا که حسن خلق و ادب با عقل ارتباط تنگاتنگ دارد، پیشنهاد می‌شود پژوهش کیفی مشابهی برای استخراج ویژگی‌های افراد بااخلاق صورت گیرد و مقایسه‌ای بین مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌های این دو پژوهش انجام شود؛ همچنین پیشنهاد می‌شود براساس این یافته‌ها بسته‌های آموزشی برای ارتقای سطح خردمندی اقشار گوناگون جامعه از مقطع دبستان به بالا طراحی شود؛ علاوه‌بر آنچه گفتیم، ساختن و استانداردسازی پرسشنامه خرد براساس این رویکرد، راه را برای انجام‌شدن پژوهش‌های بعدی هموار می‌کند.

منابع

- نهج البلاغه (۱۴۱۴ق). (محمد بن حسین رضی، مترجم). (چاپ ۱). قم: هجرت.
- آنطوان، الیاس (۱۳۷۶). القاموس العصری. تهران: امیرکبیر.
- ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق). تحف العقول (چاپ ۲). قم: جامعه مدرسین.
- ابن‌طاووس، علی بن موسی (۱۳۷۵). کشف المحجّة لثمرّة المهجّة. قم: بوستان کتاب.
- ابن‌فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة (چاپ ۱). قم: مکتب الإعلام الإسلامی.
- ابن‌منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب (چاپ ۳). بیروت: دار صادر.
- اتکینسون، هیلگارد ارنست (۱۳۸۱). زمینه روان‌شناسی (محمدنقی براهنی، مترجم) (چاپ ۱۰). تهران: رشد.
- اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق). کشف الغمة فی معرفة الأئمة. تبریز: بنی‌هاشمی.
- اسعدی، سمانه؛ امیری، شعله؛ مولوی، حسین؛ و باقری نوع‌پرست، خسرو (۱۳۹۲). معرفی مفهوم خردمندی در روان‌شناسی و کاربردهای آموزشی آن. فصلنامه رویکردهای نوین آموزشی، ۱، ۱-۲۸. برفی، احمد بن محمد (۱۳۷۱ق). المحاسن. قم: دار الکتب الاسلامیة.
- برن، اریک (۱۳۹۹). ... (اسماعیل فصیح، مترجم). تهران: نشر نو.
- بنی‌هاشمی، محمد (۱۳۹۸). کتاب عقل. تهران: نشر منیر.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق). غرر الحکم و درر الکلم (چاپ ۲). قم: دار الکتب الإسلامیة.

- چراغی، فرشته؛ کدیور، پروین؛ عسگری، علی؛ و فرزاد، ولی‌الله (۱۳۹۴). مفهوم خرد برپایه دو رویکرد نظری متفاوت: یک همبستگی بنیادی. تازه‌های علوم شناختی، ۱۷(۳)، ۴۷-۵۴.
- حلوانی، حسین بن محمد (۱۴۰۸ق). *نزهة الناظر و تنبيه الخاطر*. قم: مدرسة الإمام المهدي (عج). دیالمه، نیکو (۱۳۹۲). خردورزی در هندسه معرفتی تفسیر سوره حجرات. *فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات تفسیری*، ۴(۱۴).
- راوندی کاشانی، فضل‌الله بن علی (بی تا). *النوادر* (چاپ ۱). قم: دار الکتاب.
- سند تحول بنیادین (۱۳۹۰). دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی وزارت آموزش و پرورش - شورای عالی آموزش و پرورش.
- شرتونی، سعید (۱۴۰۳ق). *اقرب الموارد*. قم: مکتبه آیه‌الله مرعشی.
- شریفی، حسن پاشا (۱۳۷۶). *نظریه و کاربرد آزمون‌های هوش و شخصیت*. تهران: سخن.
- شعیری، محمد بن محمد (بی تا). *جامع الاخبار*. نجف: مطبعة حیدریه.
- شهید اول، محمد بن مکی (۱۳۷۹). *الدرة الباهرة من الأصداف الطاهرة*. قم: زائر.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۰۹ق). *منیة المرید*. قم: مکتب الإعلام اسلامی.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۶۲). *الأمالی*. قم: کتابخانه اسلامی.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۶۲ق). *الخصال* (چاپ ۱). قم: جامعه مدرسین.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۸). *عیون أخبار الرضا علیه السلام* (چاپ ۱). تهران: نشر جهان.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۸۵). *علل الشرائع* (چاپ ۱). قم: کتاب‌فروشی داوری.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۹۸ق). *التوحید* (چاپ ۱). قم: جامعه مدرسین.
- صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). *من لا یحضره الفقیه*. قم: جامعه مدرسین.
- طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۷۰). *مکارم الأخلاق* (چاپ ۴). قم: شریف‌رضی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق). *الأمالی*. قم: دار الثقافة.
- عسکری، حسن بن عبدالله (۱۴۰۰ق). *الفروق فی اللغة* (چاپ ۱). بیروت: دار الآفاق الجديدة.
- علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۱۱ق). *کشف الیقین فی فضائل امیر المؤمنین علیه السلام*. تهران: وزارت ارشاد.
- فتال نیشابوری، محمد بن احمد (۱۳۷۵). *روضه الواعظین و بصیرة المتعظین* (چاپ ۱). قم: رضی.
- قرطبی، محمد بن احمد (۱۴۰۷ق). *الجامع لأحكام القرآن*. بیروت: دار الفکر.
- قطب‌الدین راوندی؛ و سعید بن هبه‌الله (۱۴۰۷ق). *الدعوات* (چاپ ۱). قم: مدرسه امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف).

- کراجکی، محمد بن علی (۱۴۱۰ق). *کنز الفوائد* (چاپ ۱). قم: دار الذخائر.
- کراسول، جان دبلیو؛ و کلارک، پلانو (۱۳۹۸). *روش‌های پژوهش کیفی*. تهران: نشر بژایم.
- کردنوقایی، رسول (۱۳۹۶). *روان‌شناسی خرد*. تهران: ارجمند.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*. تهران: الإسلامیه.
- گراث، گری؛ و مارنات (۱۳۷۵). *راهنمای سنجش روانی (حسن پاشا شریفی و محمدرضا نیک‌خو، مترجمان)* (چاپ ۲). تهران: رشد.
- گیج، ال. نیت؛ و برلاینر، سی. دیوید (۱۳۷۴). *روان‌شناسی تربیتی (غلام‌رضا خوی‌نژاد، مترجم)*. مشهد: مؤسسه انتشارات حکیم فردوسی.
- لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶). *عیون الحکم و المواعظ*. قم: دار الحدیث.
- مفضل بن عمر (بی‌تا). *توحید المفضل*. قم: داوری.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق). *الأمالی*. قم: کنگره شیخ مفید.
- Ardelt, M.; and Jeste, D. V. (2016). Wisdom and Hard Times: The Ameliorating Effect of Wisdom on the Negative Association between Adverse Life Events and Well-Being. *The Journals of Gerontology*. Series B. Glück, Judith (2017). Measuring Wisdom: Existing Approaches, Continuing Challenges, and New Developments, *Journals of Gerontology: Psychological Sciences*, Series B.
- Kazdin, E. Alan (2000). *Encyclopedia of Psychology*. New York: American Psychology Association.
- Kunzmann, Ute. (2019). *Performance-Based Measures of Wisdom*. Cambridge University Press. 277-296. Masood Nawaz Kalyar, Hadiqa Kalyar (2018). Provocateurs of Creative Performance: Examining the Roles of Wisdom Character Strengths and Stress. *Personnel Review*, 47(2), 334-352.
- Zacher, H.; and Staudinger, U. (2018). *Wisdom and Well-Being*. In: E. Diener, S. Oishi and L. Tay (Eds.). *Handbook of Well-Being*. Noba Scholar Handbook Series: Subjective Well-Being. Salt Lake City.